تحلیل

با ادامه تجاوز نظامی آمریکا

قیمت نفت برنت از ۹۰ دلار عبور کرد

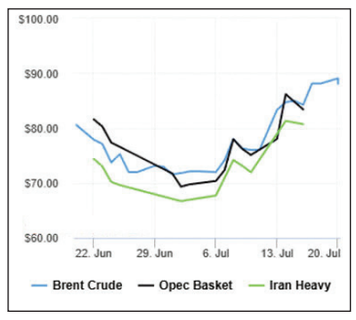

قیمت نفت در معاملات روز دوشنبه بازار جهانی، با ادامه تجاوز نظامی آمریکا که حمل و نقل انرژی در تنگه هرمز را محدود کرده است، ۳ درصد افزایش یافت و نفت برنت از ۹۰ دلار در هر بشکه عبور کرد. به گزارش ایسنا، قیمت آتی نفت خام برنت با ۲.۶۹ دلار یا ۳.۰۵ درصد افزایش، به ۹۰ دلار و ۷۹ سنت در هر بشکه رسید و در بالاترین حد خود از ۱۱ ژوئن ایستاد. نفت برنت هفته گذشته ۱۵.۹ درصد افزایش داشت که بزرگترین افزایش هفتگی آن از آوریل بود. نفت خام وست تگزاس اینترمدیت آمریکا با ۲.۱۹ دلار یا ۲.۶۵ درصد افزایش، به ۸۴ دلار و ۶۸ سنت در هر بشکه رسید که بالاترین قیمت از ۱۲ ژوئن بود. قیمت‌های قرارداد آتی نفت آمریکا هفته گذشته ۱۵.۵ درصد افزایش یافت که بزرگترین افزایش هفتگی از اوایل مارس بود. فرماندهی مرکزی ارتش تروریستی آمریکا (سنتکام) اعلام کرد که از ساعت ۷ عصر روز جاری به وقت شرق آمریکا، مرحله جدیدی از حملات نظامی به ایران را اجرا کرده است. ایران نیز در پاسخی کوبنده، مواضع آمریکا در منطقه را هدف قرار داد. آمار پریت سینگ، تحلیلگر بارکلیز، در یادداشتی گفت: «روزها و هفته‌های آینده تصویر واضح‌تری از سطح پایدار صادرات نفت از منطقه تحت محاصره‌های دوگانه جدید ارایه خواهد داد. با توجه به شرایط فعلی، ما فکر می‌کنیم بازارهای نفت هنوز نسبت به تاثیر احتمالی بر موجودی ذخایر که برخلاف آغاز جنگ، در کمترین میزان خود در پنج سال گذشته قرار دارند، بسیار بی‌خیال هستند.» براساس گزارش رویترز، داده‌های شرکت مالی LSEG نشان می‌دهد که روز یکشنبه، چهار کشتی از تنگه هرمز عبور کردند که نسبت به هشت کشتی در روز قبل کاهش یافته است. این داده‌ها نشان می‌دهد که حداقل سه کشتی حمل فرآورده‌های نفتی و یک نفتکش بسیار بزرگ از روز جمعه برای بارگیری نفت وارد تنگه هرمز شده‌اند.

خبر

جنگ زیرساختی با توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر خنثی می‌شود

عضو کمیسیون انرژی مجلس با تاکید بر اینکه توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر یکی از موثرترین راهکارها برای افزایش تاب‌آوری شبکه انرژی کشور در برابر تهدیدات زیرساختی است، گفت: در شرایطی که دشمن تلاش می‌کند با هدف قرار دادن زیرساخت‌های انرژی به مردم فشار وارد کند، گسترش نیروگاه‌های مقیاس کوچک و بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری مردمی می‌تواند این تهدیدها را خنثی کند. به گزارش ایسنا، مالک شریعتی در دهمین کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر با اشاره به اهمیت برگزاری این رویداد در شرایط کنونی کشور اظهار کرد: برگزاری این کنفرانس در شرایطی که کشور در وضعیت جنگی قرار دارد، حامل دو پیام مهم است؛ پیام نخست این است که کار و تلاش در ایران حتی در شرایط سخت و در برابر اقدامات دشمنان، توقف‌ناشدنی است. پیام دوم نیز بحث تاب‌آوری است؛ ملتی که ریشه‌ای عمیق در تاریخ دارد و طی هزاران سال ثابت کرده که در برابر تهدیدات تسلیم‌ناپذیر است، با تکیه بر مقاومت و بالندگی، دشمنان را ناامید خواهد کرد. وی با بیان اینکه موضوع این کنفرانس دقیقا مبتنی بر نیاز امروز کشور است، تصریح کرد: دشمن در حال انجام جنگ زیرساختی است؛ زمانی که دشمن از نیازهای حیاتی مردم ابزاری برای فشار تولید می‌کند و آن را مبنایی برای ضربه زدن به یک ملت مقاوم قرار می‌دهد، وظیفه ما این است که تمام توان خود را برای حفظ و پایداری انرژی کشور به کار بگیریم، به‌ویژه در بخش‌هایی که با توان و سرمایه مردم در ارتباط است. وی درباره نحوه پاسخ به این جنگ زیرساختی گفت: پاسخ به این جنگ در دو سطح انجام می‌شود؛ بخش نخست در حوزه اختیارات نیروهای مسلح و مسوولان ارشد کشور است که اقدام متقابل در برابر تهدیدات علیه دارایی‌های ملت را انجام می‌دهند.

ادامه از صفحه اول

تورم، جنگ و ضرورت بهبود چشم‌انداز اقتصاد

مسیرهای کسب درآمد ارزی کشور تحت فشار قرار گرفته، هزینه‌های تجارت افزایش یافته و فضای نااطمینانی همچنان بر تصمیم‌های اقتصادی سایه انداخته است. حتی اگر بخشی از این مشکلات در کوتاه‌مدت مدیریت شود، آثار آنها برای مدتی در اقتصاد باقی خواهد ماند. از همین رو، مهم‌ترین راهکار مهار تورم، بهبود چشم‌انداز اقتصاد و به‌ویژه چشم‌انداز سیاسی کشور است. هر اندازه افق پیش روی اقتصاد روشن‌تر شود، سرمایه‌گذاری افزایش یابد، نااطمینانی کاهش پیدا کند و فعالان اقتصادی بتوانند آینده را با اطمینان بیشتری پیش‌بینی کنند، فشارهای تورمی نیز کاهش خواهد یافت. تجربه سال‌های پس از توافق برجام نیز نشان داد که بهبود انتظارات تا چه اندازه می‌تواند در کاهش تورم اثرگذار باشد. البته باید واقع‌بین بود. اقتصاد ایران امروز آسیب‌های واقعی دیده و صرفا با تغییر انتظارات نمی‌توان انتظار کاهش سریع و چشمگیر تورم را داشت. با این حال، حرکت به سمت کاهش تنش‌ها، ایجاد ثبات در محیط اقتصادی و ترسیم افقی روشن‌تر برای تولید و سرمایه‌گذاری، مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند مسیر مهار تورم را هموار کند. اگر اقتصاد ایران بتواند از فضای جنگ و نااطمینانی عبور کرده و وارد دوره‌ای از ثبات و پیش‌بینی‌پذیری شود، امکان کنترل تدریجی تورم و بازگشت اقتصاد به مسیر رشد نیز بیش از گذشته فراهم خواهد شد.

«تعادل» گزارش می‌دهد

رقص «دلارهای نفتی» روی گسل تنش

گلناز پرتوی مهر |

در حالی که بازارهای جهانی پس از یک دوره نوسان سینوسی، به دنبال ثبات در مرزهای قیمتی قبلی بودند، جرقه تنش‌های تازه در خلیج‌فارس، بار دیگر «طلای سیاه» را به پرواز درآورد. عبور نفت برنت از مرز روانی ۹۰ دلار در هر بشکه، تنها یک عدد روی تابلوهای بورس سنگاپور و نیویورک نیست؛ این یک آژیر خطر جدی برای اقتصاد جهانی است که ریشه در «تنگنای هرمز» دارد. جایی که جغرافیا با سیاست گره خورده و هر لرزه‌ای در آن، زلزله‌ای در معیشت و صنایع دورترین نقاط جهان ایجاد می‌کند.

صبح روز دوشنبه در بازارهای آسیایی، معامله‌گران با واقعیتی جدید روبه‌رو شدند. نفت خام برنت برای تحویل در ماه سپتامبر، نه با شیب ملایم، بلکه با جهشی خیره‌کننده، رشد ۱۵.۸ درصدی را در یک هفته و ۲۲ درصدی را در دو هفته تجربه کرد. این صعود برق‌آسا، بیش از آنکه حاصل معادلات کلاسیک عرضه و تقاضا باشد، محصول «قیمت‌گذاری ترس» است. در ادبیات بازار انرژی، اصطلاحی به نام «پرمیوم ریسک ژئوپلیتیک» وجود دارد؛ یعنی مبلغی اضافی که خریداران بابت احتمال وقوع جنگ یا انسداد مسیرهای ترانزیتی پرداخت می‌کنند. امروز، این ریسک به بالاترین سطح خود در ماه‌های اخیر رسیده است.

چرا نام «تنگه هرمز» لرزه بر اندام بازار می‌اندازد؟ پاسخ را باید در آمارهای خیره‌کننده جست‌وجو کرد. طبق داده‌های تازه، روزانه بیش از ۲۰ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی از این آبراه باریک عبور می‌کند؛ یعنی چیزی حدود ۲۰ درصد از کل مصرف روزانه جهان. به زبان ساده‌تر، از هر ۵ بشکه نفتی که در موتورهای جهان می‌سوزد، یک بشکه از مسیر هرمز می‌گذرد.

وقتی خبرهای مربوط به حملات متقابل میان نیروهای ایران و آمریکا و اعزام تجهیزات نظامی بیشتر به منطقه مخابره می‌شود، بازار بلافاصله سناریوی «انسداد» یا «اختلال شدید» را پیش‌خور می‌کند. اگرچه در دهه‌های اخیر مسیرهای جایگزینی مانند خط لوله‌های شرق به غرب در عربستان یا مسیرهای دور زدن از طریق دریای سرخ مطرح شده‌اند، اما هیچ‌کدام ظرفیت و کارایی هرمز را ندارند. در شرایط فعلی، انسداد این مسیر به‌معنای فلج شدن بخش بزرگی از پالایشگاه‌های آسیایی و اروپایی است. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که تنش‌ها از سطح درگیری‌های مستقیم نظامی فراتر رفته و زیرساخت‌های غیرنظامی را نیز هدف قرار داده است. آسیب به کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن و نیروگاه‌های برق در منطقه، لایه جدیدی از ناامنی را به بازار تزریق کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که بحران فعلی، یک درگیری محدود مرزی نیست، بلکه می‌تواند تمامیت شبکه انرژی و حیات اقتصادی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. بازار نفت به این سیگنال‌ها حساس است؛ زیرا تخریب زیرساخت‌ها به‌معنای طولانی‌تر شدن دوره بحران و دشوارتر شدن بازگشت به شرایط عادی است.

یکی از دلایلی که باعث شده قیمت نفت چنین واکنش تند و تیزی نشان دهد، وضعیت ذخایر استراتژیک و تجاری در کشورهای مصرف‌کننده است. بر اساس داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، موجودی نفت خام این کشور بیش از ۶ درصد و ذخایر بنزین و فرآورده‌های تقطیری بین ۸ تا ۱۱ درصد کمتر از میانگین پنج‌ساله است. این یعنی «ضربه‌گیر»های بازار در ضعیف‌ترین حالت خود قرار دارند. وقتی انبارها خالی باشند، هرگونه تهدید برای عرضه جدید، مستقیماً به قیمت منتقل می‌شود. در واقع، جهان در حالی با بحران هرمز روبرو شده که «کیسه هوای» اقتصادی‌اش (یعنی همان ذخایر نفتی) به میزان کافی پر نیست. این موضوع، دست خریداران را زیر سنگ گذاشته و فروشندگان را در موضع قدرت قرار داده است.

اگرچه کانون بحران در خلیج‌فارس است، اما ترکش‌های آن به سرعت به بازارهای داخلی آمریکا و اروپا می‌رسد. افزایش قیمت نفت به بالای ۹۰ دلار، به معنای افزایش قیمت سوخت در بازارهای مصرف است. این اتفاق در مقطعی رخ می‌دهد که دولت‌ها به سختی در حال مبارزه با تورم هستند. گران شدن سوخت یعنی گران شدن حمل‌ونقل کالا، افزایش هزینه‌های تولید و در نهایت، فشار بیشتر بر سبد معیشتی خانوارها در سراسر جهان.

تحلیل روند معاملات نشان می‌دهد که بازار خود را برای یک دوره میان‌مدت از قیمت‌های بالا آماده کرده است. اعزام هواپیماهای سوخت‌رسان و تشدید آرایش نظامی در منطقه، این سیگنال را به معامله‌گران می‌دهد که احتمالا تنش‌ها به این زودی فروکش نخواهد کرد. در این میان، کاهش عرضه از مسیر هرمز همچنان جدی‌ترین متغیر بازار خواهد بود. اگر تنش‌ها در سطح فعلی باقی بماند، قیمت ۹۰ دلار می‌تواند به یک کف قیمتی جدید تبدیل شود. اما اگر اختلالی جدی در عبور نفتکش‌ها رخ دهد، عبور از مرز ۱۰۰ دلار و حتی بالاتر از آن، در کوتاه‌مدت دور از ذهن نخواهد بود.

تنگه هرمز بار دیگر ثابت کرد که جغرافیا، سرنوشت محتوم اقتصاد انرژی است. در جهانی که ادعای گذار به انرژی‌های سبز را دارد، هنوز یک آبراه چند کیلومتری می‌تواند کل معادلات ثروت را در جهان جابه‌جا کند. گزارش‌های میدانی و آمارهای رسمی نشان می‌دهند که فعلاً «امنیت» گران‌ترین کالای بازار نفت است و تا زمانی که این امنیت در هرمز تأمین نشود، باید منتظر ماند و دید که دلارهای نفتی تا کجا به پیشروی خود ادامه می‌دهند.

ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور از ۵۴۰۰ مگاوات عبور کرد

معاون ساتبا از عبور ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور از ۵۴۰۰ مگاوات خبر داد و گفت: در صورت تأمین به‌موقع تجهیزات و ارز مورد نیاز، ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر تا پایان تابستان از ۷۰۰۰ مگاوات عبور خواهد کرد.

به گزارش ایسنا، جعفر محمدنژاد سیگارودی- معاون سرمایه‌گذاری سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری برق ایران (ساتبا) در جمع خبرنگاران، با اشاره به عبور ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور از ۵۴۰۰ مگاوات، اظهار کرد: خوشبختانه همان‌طور که پیش‌تر نیز توفیق داشتیم با شما صحبت کنیم و به مردم عزیز کشورمان گزارش بدهیم، برنامه ما در پایان تابستان رسیدن به عدد ۷۰۰۰ مگاوات بوده و همچنان این برنامه‌ریزی یا عهدی که بستیم در همان حد است. وی افزود: با توجه به شرایط محدودیتی که برای تامین تجهیزات، به‌ویژه تجهیزاتی که باید از خارج از کشور تامین می‌شده، با آن مواجه هستیم، ممکن است این موضوع با تاخیر همراه شود، اما آن چیزی که اکنون در حال بررسی آن هستیم، با توجه به نیروگاه‌هایی که تجهیزاتشان در کشور تامین شده، این است که به احتمال زیاد به ۱۰ هزار مگاوات نزدیک خواهیم شد.

معاون سرمایه‌گذاری ساتبا ادامه داد: بر اساس برنامه‌ریزی‌هایی که از قبل کرده بودیم، ساختگاه‌هایی که مشخص کردیم و مجوزهایی که دادیم، برنامه ما این بود که حتی اگر خاطرتان باشد در پایان تابستان از این عدد عبور کنیم. این محدودیت بالاخره مبتلا به همه بخش‌های کشور است. با این حال فکر می‌کنیم فارغ از این محدودیت، همین الان تقریبا بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ مگاوات نیروگاه نیز در حال احداث داریم که بخش عمده تجهیزات آنها یا قبلا تامین شده بوده یا بخشی از آنها در حال حاضر در کشور در حال تامین است.

محمدنژاد سیگارودی گفت: اگر نخواهم خیلی وارد جزییات مسیر تامین شوم، باید بگویم اگر مسیرهای جایگزین بتواند به ما کمک کند، امیدواریم از ۷۰۰۰ مگاوات در تابستان عبور می‌کنیم، مگر اینکه خدای نکرده محدودیتی برای ما ایجاد شود. وی در پاسخ به این پرسش که با توجه به چالش‌های موجود و شرایط کشور در زمینه واردات تجهیزات، برخی کارشناسان معتقدند سازمان به اهداف تعیین شده نخواهد رسید، تصریح کرد: چیزی که من می‌خواهم اعلام کنم، اصلا بحث کارشناسی نیست، چون ما همه بحث‌های مرتبط با کارشناسی را از قبل پیش‌بینی کردیم؛ یعنی مجوزهای لازم را دادیم، قراردادهای مرتبط را منعقد کردیم و ساختگاه‌ها مشخص است. ما الان بیش از هزار ساختگاه مشخص داریم که با ظرفیت‌های متعدد در همه استان‌های کشور جانمایی شده است.

وی ادامه داد: بنابراین الان واقعا بحث کارشناسی مطرح نیست. آن چیزی که می‌تواند برنامه ما را به تاخیر بیندازد، بحث تامین تجهیزات است یا در بخش‌های دیگر، بحث تامین مالی است. یعنی اگر تامین مالی مناسب‌تری انجام شود و بحث تامین ارز از طریق وزارت صمت محقق شود، ما همه شرایط را برای تحقق برنامه فراهم کرده‌ایم.

معاون سرمایه‌گذاری ساتبا با بیان اینکه کشور پهناوری داریم و شبکه برق بزرگ و وسیعی در کشور وجود دارد، گفت: از آن سمت نیز متقاضیان متعددی از ما مجوزهای لازم را اخذ کرده‌اند. واقعیت این است که همه بررسی‌های کارشناسی و فنی ما نشان می‌دهد اگر خدای نکرده از برنامه عقب بیفتیم یا تحقق برنامه با تاخیر صورت بگیرد، اصلا به هیچ وجه به بحث کارشناسی مربوط نیست، بلکه به مواردی که عرض کردم یعنی تامین تجهیزات و همچنین محدودیت در تامین ارز از سوی وزارت صمت باز می‌گردد که مهم‌ترین چالش فعلی برای تاسیس نیروگاه‌هاست.

محمدنژاد سیگارودی خاطرنشان کرد: اگر سال گذشته همین موقع با شما صحبت می‌کردیم، بحث صدور مجوزها، امکان واگذاری زمین‌ها از طریق استان‌ها یا اتصال به شبکه از جمله موضوعاتی بود که واقعا با آن درگیر بودیم، اما در نیمه دوم سال گذشته عمده اختیاراتی را که به صورت متمرکز وجود داشت، به استانداری‌ها و استان‌ها واگذار کردیم. بنابراین بخش اعظم صدور مجوزها، واگذاری زمین‌ها و بحث اتصال به شبکه را الحمدلله الان واقعا نداریم. وی افزود: آن چیزی که واقعیت ماجراست و مشابه همه موضوعات اقتصادی کشور است، بحث تامین مالی ارزان و تامین به‌موقع ارز برای متقاضیانی است که مجبور خواهند شد تجهیزات خود را از خارج کشور وارد کنند. اینها می‌تواند جزو چالش‌هایی باشد که اگر بخواهیم از منظر برنامه به آن نگاه کنیم، ممکن است ما را از برنامه عقب بیندازد.

معاون سرمایه‌گذاری ساتبا ادامه داد: به این خاطر این موضوع را عرض کردم که ممکن است شما سوال کنید بخش خصوصی و برنامه شما چه ارتباطی با هم دارند. از این جهت عرض کردم که تقریبا همه برنامه توسعه ما از طریق بخش خصوصی در حال انجام است. وی در ادامه درباره امکان تجمیع و خرده‌فروشی برای تجمیع‌کنندگان نیز گفت: مستحضرید که از سال گذشته تا الان، یکی از تقاضاهای زیاد این بود که امکان فروش برق انشعابی‌ها در بورس انرژی وجود نداشت، چون آنجا برق با قیمت بالاتری به فروش می‌رسد و طبیعتا متقاضیان نیز علاقه‌مند بودند برق خود را در آن بازار عرضه کنند.

محمدنژاد سیگارودی افزود: این مجوز را هفته گذشته خوشبختانه اخذ کردیم و به‌زودی ابلاغ خواهد شد. برای تمام متقاضیانی که بر روی انشعاب نیروگاه نصب می‌کنند، اعم از بخش خانگی، تجاری، اداری و کشاورزی، این امکان فراهم خواهد شد که از طریق شرکت‌هایی که مجوز لازم را هم از مبادی مربوطه و هم از ساتبا اخذ کرده‌اند، برق خود را در شبکه برق و تابلوی سبز بورس انرژی عرضه کنند.

معاون سرمایه‌گذاری ساتبا در پاسخ به سوالی درباره میزان تامین ارز از ابتدای سال تاکنون گفت: اخیرا گزارشی که از وزارت صمت و دفتر مربوطه دریافت کردیم، این بود که تقریبا در ۶ ماهه دوم سال گذشته بخش قابل توجهی از درخواست‌ها انجام نشده بود که البته دلایل مختلفی از جمله محدودیت‌ها، به‌ویژه بحث جنگ و همچنین ماه رمضان در آن موثر بوده است. وی ادامه داد: اخیرا گزارشی از همه افرادی که در صف بودند دریافت کردیم و یک بررسی مجدد انجام دادیم. تقریبا نزدیک به ۶۰۰ میلیون دلار از متقاضیانی را که در صف بودند، مجددا ارزیابی و به وزارت صمت اعلام کردیم. به ما قول داده‌اند و امیدواریم که محقق شود، به گونه‌ای که به صورت ماهیانه بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار دیگر نیز به متقاضیانی که به‌زودی به نیروگاه خواهند رسید، اختصاص یابد. محمدنژاد سیگارودی گفت: تاکید ما این است که این ارز باید در اختیار متقاضیانی قرار بگیرد که بتوانند سریع‌تر با این تجهیزات، برق را به شبکه تزریق کنند. وی اضافه کرد: نکته دیگری که برای مزید استحضار عرض می‌کنم این است که ما مدلی را در سازمان، یعنی دفتر تخصصی ساتبا با دفتر تخصصی وزارت صمت تنظیم کردیم که هم از بعد کیفیت، هم از بعد محدوده قیمت و هم از بعد اینکه کسانی که متقاضی این کار هستند آیا مجوز لازم را دارند یا نه، نظارت بسیار سفت و سختی بر آن خواهیم داشت. معاون سرمایه‌گذاری ساتبا تصریح کرد: از این به بعد دیگر اجازه نمی‌دهیم ارزی که متقاضی برای تجهیزات تجدیدپذیر درخواست می‌کند، بدون این سه شرط باشد؛ اول اینکه مجوز داشته باشد، دوم اینکه پرفورمایی ارایه نکند که قیمت‌ها در آن بالاتر از حد متعارف باشد و سوم اینکه تجهیزات، تاییدیه ساتبا را داشته باشد.

وی در ادامه گفت: از ابتدای امسال تا الان، همان‌طور که عرض کردم، تخصیص چندانی نداشتیم. این اولین دفعه‌ای است که داریم این عدد ۶۰۰ میلیون دلار را ارایه می‌کنیم و فکر می‌کنیم ان‌شاءالله با عزمی که دوستان در وزارت صمت دارند، بتوانیم این عدد را دریافت کنیم و متقاضیان ما نیز از این موضوع رضایت داشته باشند. محمدنژاد سیگارودی خاطرنشان کرد: عمده موضوعات در ثبت سفارش‌ها شکل می‌گیرد. بعد از ثبت سفارش، اگر متقاضیان صلاحیت لازم را داشته باشند، تخصیص به آنها داده می‌شود. آن چیزی که الان در حال رخ دادن است، بحث تخصیص است و امیدواریم با گزارشی که هفته گذشته به وزارت صمت دادیم، این ۶۰۰ میلیون دلار تخصیص داده شود و دوستان بتوانند تجهیزاتی را که از قبل سفارش کرده‌اند، تامین کنند.

جمع‌آوری گازهای همراه؛ حلقه مفقوده امنیت انرژی و صیانت از ثروت ملی

جمع‌آوری گازهای همراه فقط خاموش کردن فلرها نیست؛ این اقدام می‌تواند از هدر رفت میلیاردها دلار جلوگیری کند، ناترازی گاز را کاهش دهد و حکمرانی انرژی را اصلاح کند.

به گزارش مهر، جمع‌آوری گازهای همراه از آن موضوع‌هایی است که در ظاهر فنی به نظر می‌رسد، اما در عمق خود به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کارآمدی حکمرانی انرژی تبدیل شده است. گاز همراه، همان گازی است که در فرآیند استخراج نفت آزاد می‌شود و اگر زیرساخت لازم برای جمع‌آوری، فرآورش و انتقال آن وجود نداشته باشد، به ناچار سوزانده می‌شود. نتیجه این روند، چیزی نیست جز از بین رفتن یک منبع ارزشمند که می‌تواند خوراک صنعت، سوخت نیروگاه، ماده اولیه پتروشیمی و حتی ابزار تنظیم بازار انرژی باشد.

اهمیت این موضوع وقتی روشن‌تر می‌شود که بدانیم ایران با وجود دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز، همچنان با ناترازی گاز در فصول سرد مواجه است. در چنین شرایطی، سوزاندن روزانه ده‌ها میلیون متر مکعب گاز همراه، فقط یک اتلاف فنی نیست؛ نشانه‌ای از شکاف میان ظرفیت طبیعی کشور و کیفیت مدیریت آن است. به بیان دیگر، هر مشعل روشن در میدان نفتی، هم نماد یک کمبود زیرساختی است و هم یادآور فرصتی از دست رفته برای خلق ارزش افزوده.

در گزارش‌های رسمی اخیر آمده است که حجم جمع‌آوری گازهای همراه و مشعل در ماه‌های گذشته روندی افزایشی داشته است اما هنوز ده‌ها میلیون متر مکعب دیگر در حال سوختن است. این اعداد نشان می‌دهد مساله هنوز به پایان نرسیده، اما مسیر اصلاح آغاز شده است. اهمیت این تحول در آن است که کشور از نگاه «پروژه‌ای و مقطعی» فاصله گرفته و به سمت یک رویکرد «سیستمی و ساختاری» حرکت کرده است؛ رویکردی که در آن جمع‌آوری گازهای همراه نه یک اقدام جانبی، بلکه بخشی از طراحی کلان امنیت انرژی است. نخستین و شاید ملموس‌ترین اهمیت جمع‌آوری گازهای همراه، بُعد اقتصادی آن است. گازی که امروز می‌سوزد، می‌تواند فردا به محصول پتروشیمی، خوراک پالایشگاهی، سوخت صنعتی یا حتی منبع صادراتی تبدیل شود. در شرایطی که کشور برای تامین منابع ارزی، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید تحت فشار است، هیچ توجیه اقتصادی برای ادامه فلرینگ گسترده وجود ندارد. ارزش این گازها تنها به حجم آنها محدود نمی‌شود، بلکه به زنجیره‌ای از ارزش افزوده مرتبط است که از مرحله جمع‌آوری آغاز و تا تولید محصولات نهایی ادامه پیدا می‌کند. به همین دلیل، پروژه‌های NGL و طرح‌های فرآورش گاز همراه فقط یک عملیات مهندسی نیستند؛ این پروژه‌ها در عمل یک حلقه اقتصادی جدید ایجاد می‌کنند. وقتی گاز همراه به جای سوختن، وارد چرخه تولید می‌شود، هم درآمد مستقیم ایجاد می‌کند و هم هزینه‌های واردات یا تامین انرژی را کاهش می‌دهد. از همین زاویه است که می‌توان گفت جمع‌آوری گازهای همراه، نوعی سرمایه‌گذاری بازده‌بالا برای اقتصاد ملی است. اهمیت دیگر این موضوع، در کاهش اتلاف سرمایه‌های ملی نهفته است. کشوری که برای توسعه میادین نفتی هزینه می‌کند، اما بخشی از گاز استخراج‌شده را می‌سوزاند، عملاً از بخشی از بازده سرمایه‌گذاری خود می‌گذرد. بنابراین جمع‌آوری گازهای همراه، یکی از شاخص‌های مهم در افزایش بهره‌وری صنعت نفت است. این اقدام می‌تواند در بلندمدت، هزینه تولید نفت را کاهش دهد، درآمد دولت را افزایش دهد و به ثبات مالی پروژه‌های انرژی کمک کند. در شرایط تحریم و محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی نیز، استفاده حداکثری از منابع موجود، به‌مراتب عقلانی‌تر از اتکای صرف به توسعه میادین جدید است. دومین دلیل اهمیت این موضوع، اثر مستقیم آن بر امنیت انرژی کشور است. ایران در سال‌های اخیر با پدیده ناترازی گاز روبه‌رو بوده؛ یعنی در برخی فصول، تقاضا از عرضه پیشی گرفته و شبکه انرژی با فشار جدی مواجه شده است. در چنین وضعی، هر مترمکعب گاز همراه که جمع‌آوری و به چرخه مصرف وارد می‌شود، در حکم یک منبع تازه تولید است؛ منبعی که بدون نیاز به حفاری جدید، بدون توسعه میادین پرهزینه و بدون زمان بر بودن پروژه‌های بزرگ، قابل استفاده است. از این منظر، جمع‌آوری گازهای همراه به‌مثابه «تولید پنهان» گاز عمل می‌کند. یعنی کشور می‌تواند بخشی از کسری خود را از محل بازیافت گازی تامین کند که پیش‌تر هدر می‌رفت. این مساله برای صنایع بزرگ کشور، از فولاد و سیمان گرفته تا پتروشیمی و برق، اهمیت حیاتی دارد. زیرا پایداری تامین انرژی، یکی از پایه‌های اصلی تولید صنعتی است. هر گونه اختلال در تامین گاز، به‌سرعت خود را در کاهش تولید، افزایش هزینه‌ها و افت رقابت‌پذیری اقتصاد نشان می‌دهد. از طرف دیگر، جمع‌آوری گازهای همراه فقط به‌معنای تامین سوخت بیشتر نیست، بلکه به‌معنای افزایش تاب‌آوری انرژی کشور است. تاب‌آوری یعنی نظام انرژی در برابر بحران‌ها، محدودیت‌ها و شوک‌های فصلی مقاوم‌تر شود. کشوری که بتواند گازهای هدررفته را بازیابی کند، در واقع به جای فشار بر منابع جدید، از ظرفیت‌های پنهان موجود استفاده کرده است. این همان نگاه راهبردی است که در حکمرانی مدرن انرژی اهمیت دارد: استفاده بهینه از دارایی‌های فعلی پیش از توسعه دارایی‌های تازه.

سومین بُعد اهمیت جمع‌آوری گازهای همراه، اثرات زیست‌محیطی و نهادی آن است. فلرینگ، افزون بر اتلاف انرژی، منبع انتشار آلاینده‌ها و گازهای گلخانه‌ای است. ادامه این روند، در درازمدت هم به محیط زیست آسیب می‌زند و هم تصویر صنعت نفت را در افکار عمومی و در تعاملات بین‌المللی تضعیف می‌کند. از این رو، کاهش مشعل‌سوزی یک ضرورت محیط‌زیستی هم هست، نه فقط یک انتخاب اقتصادی. اما اهمیت اصلی‌تر در اینجاست که جمع‌آوری گازهای همراه، نشانه‌ای از اصلاح در شیوه حکمرانی انرژی است. در مدل‌های سنتی، فلرینگ معمولاً نتیجه یک اجبار عملیاتی تلقی می‌شد؛ یعنی چون زیرساخت نبود، گاز می‌سوخت. اما در مدل جدید، این وضعیت دیگر قابل قبول نیست. وقتی دولت، شرکت ملی نفت، هلدینگ‌های پتروشیمی و بخش خصوصی در قالب قراردادهای جمع‌آوری و فرآورش وارد میدان می‌شوند، مساله از سطح یک عملیات فنی به سطح یک سیاست عمومی ارتقا پیدا می‌کند. در این چارچوب، جمع‌آوری گازهای همراه را باید بخشی از حرکت کلان کشور به سمت بهره‌وری، شفافیت، کاهش هدررفت و تکمیل زنجیره ارزش دانست. این موضوع با مطالبات کلان نظام درباره جلوگیری از خام‌فروشی، استفاده بهینه از منابع و افزایش بازدهی اقتصادی هم‌راستا است. هر چه این روند سریع‌تر و منسجم‌تر پیش برود، مدیریت انرژی کشور از حالت واکنشی خارج می‌شود و به سمت سیاست‌گذاری پیش‌دستانه حرکت می‌کند. در نهایت باید گفت جمع‌آوری گازهای همراه، یک پروژه محدود و مقطعی نیست؛ بلکه شاخصی از بلوغ حکمرانی انرژی است. هر چه این سیاست جدی‌تر دنبال شود، هم ثروت ملی کمتر می‌سوزد، هم امنیت انرژی تقویت می‌شود و هم صنعت نفت از یک تولیدکننده صرف، به یک موتور مولد ارزش افزوده تبدیل خواهد شد. خاموشی مشعل‌ها، در واقع روشن شدن مسیر تازه‌ای برای اقتصاد انرژی ایران است.

اخبار

پذیره‌نویسی نخستین صندوق پروژه تجدیدپذیر تا یک ماه آینده آغاز می‌شود

یک مقام مسوول از آغاز پذیره‌نویسی نخستین صندوق پروژه نیروگاه‌های تجدیدپذیر طی سه تا چهار هفته آینده خبر داد. به گزارش مهر، امیر دودابی‌نژاد، معاون برنامه‌ریزی و نوآوری سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، روز دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵ در حاشیه دهمین کنفرانس انرژی‌های تجدیدپذیر و در جمع خبرنگاران اظهار کرد: برای تسهیل مشارکت عمومی در توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، بخشی از نیروگاه‌های احداث‌شده یا در حال احداث از طریق صندوق پروژه به مردم واگذار می‌شود. وی افزود: بسیاری از مردم امکان یا توانایی تأمین منابع مالی و احداث مستقل نیروگاه را ندارند؛ از این رو واحدهای سرمایه‌گذاری این صندوق از طریق بورس عرضه می‌شود تا علاقه‌مندان بتوانند بدون نیاز به راه‌اندازی نیروگاه، از منافع سرمایه‌گذاری در تولید برق تجدیدپذیر بهره‌مند شوند. معاون برنامه‌ریزی و نوآوری ساتبا با بیان اینکه فرآیند راه‌اندازی صندوق انجام شده است، گفت: پیش‌بینی می‌شود پذیره‌نویسی واحدهای این صندوق طی سه تا چهار هفته آینده آغاز شود. دودابی‌نژاد خاطرنشان کرد: نیروگاه‌های این صندوق یا به بهره‌برداری رسیده‌اند یا در مراحل پایانی احداث قرار دارند؛ بنابراین سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتری می‌توانند در این پروژه‌ها مشارکت کنند، زیرا بخش قابل توجهی از منابع مالی پروژه‌ها پیش‌تر تأمین شده است. وی با اشاره به پراکندگی این پروژه‌ها در سطح کشور افزود: نیروگاه‌های مربوط به این صندوق در بسیاری از استان‌های مستعد احداث شده یا در حال احداث هستند. معاون برنامه‌ریزی و نوآوری ساتبا همچنین از کلنگ‌زنی یک مجموعه نیروگاه تجدیدپذیر با ظرفیت حدود ۴۰۰ مگاوات توسط بخش خصوصی در حاشیه دهمین کنفرانس انرژی‌های تجدیدپذیر خبر داد و گفت: این پروژه امروز وارد مرحله اجرایی می‌شود، هرچند زمان دقیق بهره‌برداری آن هنوز نهایی نشده است.

سه مانع اصلی توسعه مردمی نیروگاه‌های تجدیدپذیر

رییس انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران با تأکید بر مردمی‌سازی تولید پراکنده برق، گفت: آگاهی‌بخشی، تأمین مالی مردم و ارتقای زیرساخت‌های شبکه برق، سه پیش‌نیاز اصلی توسعه سرمایه‌گذاری عمومی است. به گزارش مهر، سیدمسلم موسوی درچه، رییس انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران، امروز دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵ در حاشیه دهمین کنفرانس انرژی‌های تجدیدپذیر و در جمع خبرنگاران اظهار کرد: مهم‌ترین راهکار توسعه تولید پراکنده برق، مردمی‌سازی سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر است. وی نخستین مانع این مسیر را نبود آگاهی کافی مردم از فرآیند دریافت